

۲۰۱۰/۱/۲۲

انجنیر صدیق قیام

## فراز و نشیب موسیقی در سر زمین ما افغانستان

بخش دوم

### بعضی از شواهد تاریخی در باره موسیقی سرزمین ما:

- یک سیاح معروف چینی بنام ( هوانگ تسنگ ) آن شخصی که در باره بت های بامیان و مخصوصاً بت خوابیده هم نوشته های دارد، در سال ۶۳۱ میلادی ضمن سفرش در این سرزمین، در نوشته های خود تذکر داده که موسیقی باختر یا آریایی از همین سرزمین به هندوستان رفته است.
- **هیات مردم شناسی دنامرکی** ثابت کرده اند که میان احفاد آریایی اطراف هندوکش در منطقه ای به نام نورستان، یک نوع گیتار ساده با یک نوع آهنگ مخصوص موجود است که سابقه آن تا بیش از چهار هزار سال میرسد و هم چنان در همین مناطق از یک نوع هارپ یا بریط یاد آوری کرده اند که شباهت زیاد به آله "چنگ" سومریان دارد و از قدامت آن تا پنج هزار سال می گذرد.
- **جارج فارمر** یک شرق شناس معروف به حواله یک داستان چینی حکایت میکند: که بار اول توله را شخصی به نام ( لیک سونگ ) از سرزمین باختر به چین برده است. درحالیکه چینی ها در دوره امپراتور زرد یعنی بیش از دوهزار سال قبل، قدیمترین الفبای موسیقی را که به استفاده و گوش دادن از طبیعت ساخته شده بود داشتند. مانند قدیمترین الفبای هندی.
- اثر نقاشی شده رنگه با رنگ روغنی که تصویر آن در فوق است، در دیوار نگاره های بامیان تصویر زن بریط یا هارپ نواز را نشان میدهد که به دوره کنشکاه نسبت داده میشود. این تصویر نه تنها اثبات هنر موسیقی را در حدود کمتر از دوهزار سال قبل نشان میدهد بلکه نمایانگر شکوه هنر نقاشی، استعمال رنگ روغنی، طرز لباس پوشی مروج، مقام بلند زن در آن زمان، استعمال زیورات و چهره های کشاده آریایی ها یا نیاکان ما می باشد و نظر به قدامت تاریخی و زیبایی، شبیه آن کمتر در آثار باستانی دنیا از جمله تصاویری از عراق که ۲۶۰۰ سال در مصر ۱۴۰۰ قبل از میلاد سابقه دارند دیده شده است.
- یک اثر باستانی دیگر در ننگرهار، نوازندگانی را نشان میدهد که درحال نواختن چنگ، توله، داریه، دهل می باشند. این اثر هم توسط باستان شناسان ما به دوره کنشکاه نسبت داده شده است.
- در نوشته های تاریخی آلات موسیقی این سرزمین بنام های ( **دندویهی، وانا و یونا** ) یاد گردیده است که ممکن شامل آلات تاردار، بادی مانند توله و ضرب باشد. ولی امروز کدام آله ای به این نام یاد نمی شود.
- یک نوع آهنگ یا سرودی دسته جمعی که به اصطلاح هندی مورچانه گفته می شود و ستار نوازان به این واژه آشنایی دارند و معنی آن بیحال شدن و افتادن است. یعنی سرود یا آهنگ، از بلند ترین سُر یا "پور" در سبتک به شدت و قوت شروع و به قسم نزولی خفیف شده به سُر **کهرچ** یا "دو" میرسد. یعنی برعکس آهنگ های امروزی است که از "کهرچ" شروع و به سُر "پور" میرسد. این شیوه در دنیا ناشناخته نیست، اما در قرن وسطی از بین رفته است. ولی در آهنگهای محلی ما به خصوص در آهنگ های نورستانی ها که خوشبختانه ثبت تلویزون ملی هم شده است اصالت خود را هنوز حفظ کرده است.



- **ترخان بن ازلف** مشهور به ابو نصر فارابی که در سده سوم شمسی بین سالهای ۳۳۹- ۲۵۹ زندگی میکرد، رسالات و کتبی در علوم، فلسفه و از جمله موسیقی نوشته است و اولین دانشمندی است که در دوره اسلامی و تسلط اعراب درباره موسیقی، بنام های ( الموسیقی الکبیر، کلام فی الموسیقا، احصاء الايقاع، نی النقره، مضاف الی

تعداد صفحات: ۱ از ۳

افغان جرمن آنلاين شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید [www.afghan-german.de](http://www.afghan-german.de).  
نوت: مسئولیت املائی و انشایی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.

الایقاع و حصا العلوم) نوشته است. او در کتاب خود بنام موسیقی کبیر گام کروماتیک را معرفی یا کشف نموده است، یعنی دوازده و نیم سُر در یک اوکتاو Octave، این همان کاری است که قرن ها بعد (زارلینو و باخ) آلمانی به آن دست یا فتنده، فارابی عود نواز ماهر ی هم بوده است.

• **حسین ابن سینا** فرزند عبدالله متولد بلخ باستان، طبیب، موسیقیدان ماهر و دانشمند مشهور سرزمین ما که بین سال های ۳۶۳ - ۴۲۸ می زیست سه رساله یا کتاب در باره موسیقی و ریاضی نوشته است که دوی آن به زبان عربی و یکی آن به زبان فارسی است و رساله دوم آن نیز در باره موسیقی بوده اما به زبان عربی که جز کتاب شفا می باشد که شامل شش بخش می باشد.

بخش اول آن شامل پنج فصل: (مقدمه و تعریف صدا، تعریف موسیقی، شناسایی ابعاد موسیقی، ابعاد ملایم مرتبه اول و ابعاد ملایم مرتبه دوم).

بخش دوم شامل دو فصل: (جمع و تفریق اعداد، مضاعف و نصف کردن ابعاد).

بخش سوم شامل سه فصل: (راجع به اجناس، شماره اجناس، اجناس قوی).

بخش چهارم شامل دو فصل: (جمع یا دستگاه، ایجاد آهنگ).

بخش پنجم شامل پنج فصل: (سرهای یا نت های موسیقی، علم اوزان، وزن خوانی، اوزان مختلف، شعر و اوزان).

بخش ششم شامل دو فصل: (ترکیب یا تالیف، اسباب های موسیقی).

در حدود هفده آثار خطی شفا ابن سینا در کتابخانه های کشورهای، مانند انگلستان، مصر، ایران و سوئد و غیره و دونسخه النجات در موزیم انگلستان نگهداری گردیده است.



ابن سینا در بحث جداگانه ای علم هماهنگی یا هارمونی را در موسیقی معرفی کرده

است و آنرا به چهار نوع تقسیم کرده که عبارت از: (تمزیح، تشقیق، ترکیب، تضعیف).

ابن سینا همزمان با هوکبالد ایتالیوی پدر هارمونی می زیست، سینا کسی است که در

اثر خود مقام را معرفی کرده است او موسیقی را جدا از ریاضی، هندسه و حتی فزیک

نمی دانست و موسیقی را جزء از بدن انسان قبول کرده بود و در تداوی و دیدن نبض و

انستیزی از موسیقی استفاده می نمود، که امروز بنام موزیک درمانی یا موزیک

therapy موضوع شناخته شده است. تداوی با موسیقی که آنرا تداوی حاشیه وی

میگویند در حدود ۲۵۰۰ سال قدمت دارد و معمولاً از آله چنگ و موسیقی غیر

کلامی استفاده میشد. در حدود ۲۴۰ مقاله در این باره توسط دانشمندان کانادایی انگلیس، چینیایی، جاپانی و غیره

نوشته شده است. اکثر دانشمندان امروزی همه متفق القول هستند که موسیقی در موارد ذیل اثر دارد. (بالای جنین و

هارمون ها، اختلالات عضلاتی، نارسایی های معزی، کاهش درد به اثر افزایش اندروفین ها، کاهش اضطراب،

استرس روانی، فشار خون، زایمان ها، منظم ساختن حرکت قلب و غیره). همچنان به خلاقیت، تصورات و یاد گیری

علوم، به خصوص ساینس، موسیقی اثر خوبی دارد، در افزایش خواب کمک می کند، روش های خوب اجتماعی را

باعث میشود و احساسات را فرو می نشاند.

### موسیقی از دیدگاه ابن سینا (ویرایش شده توسط نویسنده ایرانی)

تعریف موسیقی: "موسیقی یکی از علوم ریاضی است که منظور آن مطالعه صداهای موسیقی و بحث در ملایمت و

عدم ملایمت و همچنین کشش آنها و قواعد ساختن قطعات آن است. بنابراین علم موسیقی شامل دو بخش است و علم

ترکیب نغمات مربوط به صداهای موسیقی و علم اوزان مربوط به زمانهایی که صداهای یک نغمه را از یکدیگر جدا

می نماید. پایه این دو قسمت بر اصولی استوار است که از علوم خارج از موسیقی اخذ می شوند که بعضی از این

اصول از ریاضی و بعضی دیگر از فیزیک و علوم طبیعی و برخی از هندسه گرفته می شوند.

• یک رساله (۱۴) صفحه ای از حضرت مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر و عارف است که در باره

موسیقی نوشته شده است. اما او خود در موسیقی دسترسی نداشت. نسخه اصلی و خطی این رساله در اکادمی علوم

ازبکستان موجود است. در سال ۱۹۶۴ یکبار در تاشکند به چاپ رسیده که از روی نسخه اصلی آن عکاسی شده

بود. وی در سال ۸۱۷ در شهر هرات وفات نموده است.

● به استناد شهنامه و دیگر آثار شعرا، آلات موسیقی مروج در منطقه عبارت اند از: نی، چنگ، زنج، کنار یا سنتور، عود، زنگ، تاس، دنبک، زیل یا نوع چنگ، سورنای، غژک، ارغنون، دف، چغانه یا قانون، کرنا، ناگر یا نغاره، انابال یا طبل، دمپوره، رباب بوده اند. قابل ذکر است که کلمه آرگن از ارغنون گرفته شده است.

● نوع سرود های دسته جمعی دیگری که در غرب مروج است و آنرا بنام پولی فونیک Polyphonic یا چند صدایی میگویند و امروز در وطن ما مروج نیست و مردم به شنیدن آن عادت ندارند. این نوع موسیقی در بعضی از سرود های دسته جمعی و فولکلوریک نوریستانی ها، قسمت های دوردست بدخشان یا پامیر و با اندک تغیر در بعضی از سرود های دسته جمعی (غرنی) جنوب کشور نسل به نسل باقی مانده است. این نوع موسیقی رنگ و بوی غربی دارد، نقطه جالب اینجاست که این سرود ها را کسانی اجرا میکنند که اهل موسیقی نبوده و مردمان بومی اند. این موضوع را پروفیسور هارمن پرس Prof. Herman prizes محقق اطریشی که در سال های ۱۹۶۰ برای تدریس موسیقی به افغانستان آمده بود تحقیق نموده و می افزاید که مدت پنج سال را با پای پیاده، ده به ده و شهر به شهر در افغانستان سفر کردم. وقتی در منطقه ای بنام نورستان بودم بعد از یک دعوت نان چاشت در نورستان، چهار نفر به آواز خوانی شروع نمودند. این آواز خوانی یک سرود پولی فونیک بود، ابتدا فکر کردم که آنها به تقلید از غرب این کار را میکنند ولی بعد از سفر های دیگرم در منطقه نورستان مطمئن شدم که این موسیقی چند صدایی از سرود های اصیل و قدیمی منطقه است که نسل به نسل باقی مانده است. باید متذکر شد یکی از عواملی که فرهنگ و به خصوص موسیقی قدیم افغانستان در نورستان دست نخورده باقی مانده و شیوه های آن کاملاً نا پدید نگردیده آنست که این منطقه کشور تا زمان امیر عبدالرحمن خان منطقه دور افتاده، منزوی و صعب العبور بود و بنام کافرستان یاد میگردید. به همین سبب داشته های خود را تا حدی حفظ کرده بود.

● پروفیسور لوجی دیلور فرانسوی در حدود بیشتر از ۴۰ سال قبل که از طریق هرات داخل افغانستان شده بود بعد از تحقیق مقاله طولی در باره موسیقی افغانستان نوشت که مرحوم عبدالرحمن پژواک آنرا به انگلیسی ترجمه و به یکی از مجلات انگستان هم نشر گردیده است. در قسمتی از مقاله خویش چنین نوشته است: موسیقی افغانی موسیقی دو دنیا است یا موسیقی افغانستان دروازه ای بین موسیقی شرق و غرب است. این دو موسیقی یکدیگر را از طریق دروازه افغانستان خوب می شناسند. او اضافه می کند که با وجود تفاوت زیاد جغرافیوی و کلتوری بعضی از موسیقی های افغانستان با یکنوع موسیقی فرانسوی بنام اورگین و موسیقی مراکشی شباهت های دارند. و میگوید که موسیقی افغانی، پژمردگی موسیقی ایران را ندارد.



با مراجعه به آثار شعرا و عرفای سرزمین ما هم میتوان تا اندازه ای به نوع موسیقیهای قدیم معلوماتی بدست آورد. از جمله حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی در قطعه شعر مقبول خود در باره مقام ها و خواص آنها معلومات مختصری داده است که به نظر من برای یک محقق کافی است تا در باره موسیقی این سر زمین حتماً پیشتر یا حد اقل تا ۱۵۰۰ سال قبل حدث زد.

#### در این پارچه شعر زیبای حضرت مولانا توجه کنید:

وی نای، ناله خوش سوزانم آرزوست	ای چنگ پرده های سپاهانم آرزوست
من هدهدم صغیر سلیمانم آرزوست	در پرده حجاز بگو خوش ترانه بی
چو راست و بوسلیک خوش الحانم آرزوست	از پرده عراق به عشاق تحفه بر
کان زیر خورد و، زیر بزرگانم آرزوست	آغاز کن، حسینی زیرا که سایه گفت
بیدار کن به زنگوله ام کسانم آرزوست	در خواب کرده ای ز، رهاوی مرا کنون

این علم موسیقی بر من چون شهادت است  
چون مومنم شهادت و ایمانم آرزوست

برای تحلیل این شعر مولانا در باره موسیقی بهتر خواهد بود که ابتدا با نام مقام ها و موسیقی هندوستان آشنایی پیدا نمایم،

ادامه دارد